



The Function of Numbers in the Legends of Azerbaijan

Fereshteh Mahjoub^{*1}, Safieh Tavakkoli Moghaddam²

Received: 22/10/2021

Accepted: 17/12/2021

Research background

Anne-Marie Schimmel, (1991) in her book *The Secret of Numbers* which has been compiled in the form of an encyclopedia, has studied numbers from a historical-comparative perspective and has applied their function in different religions and denominations. Nour Aghaei (2009) in his book *Number, Symbol, Myth* has studied and analyzed the theme of myths and the function of numbers in advancing their process. Zabihnia Imran and Qayyumizadeh (2017) conducted a study in which they investigated the mythological and symbolic definition of numbers, the ironic compounds and common stereotypes that are due to the impact numbers have on popular culture.

* Corresponding Author's E-mail:
F.Mahjoub2022@pnu.ac.ir

Objectives, questions, and assumptions

This study seeks to map the function of numbers in the popular culture of Azerbaijan and seeks to investigate to what extent the basis of folk tales is related to hypertextual factors. The research questions are: 1. To what extent are numbers involved in the structure of folk tales? 2. Is the function of numbers related to the popular culture of each region? To answer the questions, the following hypotheses are raised: 1. Numbers are one of the main influential factors in the myths of

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author) <https://orcid.org/0000-0001-5412-7646>

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0000-0003-0452-4369>



nations. 2. The special culture of Azerbaijan has changed the function of some numbers.

The main discussion

The 360-page book *Legends of Azerbaijan* consists of fifteen legends from the region of Azerbaijan, which was written, translated and adapted by Ahmad Azar Afshar and its ninth edition was published in 2018. The main function of "one" in the legends of Azerbaijan is to happen once and express everyday events. The oppositional function of the "two" axis against the monotheism of the "one" is found in abundance. In a part of the story, we see the number three in the dripping water of life in the mouth of Prince Jamshid. The number four is used repeatedly and the narrator often seeks to draw the perfection and completeness of the subject. Among the functions of the number five in Azerbaijani mythology is the absolute use of the number five next to the number six for approximate reference to the few. "Seven" in all cultures indicates moderation and harmony, with the difference that the Iranians considered "six" to be an imperfect number. This is because "seven" was very sacred to them, and "six" had a defect that was completed by reaching seven. Eight years is the time for the prince to learn science and achieve perfection. The function of expectation and prosperity, which is associated with the number "nine", is one of the most important functions of this number in the legends of Azerbaijan. In terms of frequency in *Legends of Azerbaijan*, number ten is used 107 times. After that, the numbers smaller than ten is the most used. Number ten, for being the first number after the one-digit numbers, indicates the entry into a new multiplicity, and because it reaches one hundred in the next step, it indicates the return of the multiplicity to unity. Number thirty refers to order and justice and has been used in two places in the myth. Number forty is one of the most widely used numbers.



Conclusion

Apart from the unique function of each number, many of them have common features. This subscription is sometimes multiplied by the same number; for example, 3-6-12 and 40 have been used for grouping, and 4 and 8 have been used to induce perfectionism. Plurality is shown with 5-150-1000 and 7, and time with 4-12-12-40 and 15.18. It seems that there is a two-way relationship between the numbers used and the basis of Azerbaijani myths, which is often epic or love. For example, the multiplicity and frequency that is necessary for exaggeration in the epic is mostly shown by decimal numbers such as 10-50-100 and 1000. This induces the notion that "the hero must go through various stages to reach perfection" of numbers such as 29, 39 or 19, which in the hierarchy of numbers are the last number of the previous row and are incomplete, resulting in an integer after them. Turn around. Achieving connection, victory and perfection, which are often the theme of love stories, is depicted with 1-4-7-8-9-14 and 15. 7 and 40 also indicate the time of the mourning or marriage ceremonies. The presence of the numbers 1-2, 3 and 3 in the position of the counting unit indicate "A handful of clothes, a meal, a bouquet, a couple of bites on both feet and two eyes". The construction of compounds is manifested as "four-legged, five-door, three-way". Also, the metaphorical compounds such as "one eye blink, two to sit, two legs, three lives" indicate the function of numbers in the structure of language and literature.

References

- Azar Afshar, A. (2018). *Legends of Azerbaijan* (in Farsi). Dey.
- Noor Aghaei, A. (2009). *Number, symbol, myth* (in Farsi). Critique of Thoughts.
- Shimmel, A. (1991). *The secret of numbers*. University of Religions and Religions.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۹، شماره ۴۲، بهمن و اسفند ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1400.9.42.3.7

کارکرد اعداد در افسانه‌های آذربایجان

فرشته محبوب*^۱، صفیه توکلی مقدم^۲

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶)

چکیده

افسانه‌ها در جهان در زمره مهم‌ترین زیرشاخه‌های ادبیات عامه و سرمنشأ بسیاری از اعتقادات، باورها و هنجارهای هر جامعه‌اند. علاوه بر آن در آفرینش گونه‌های متعدد ادبی سهم‌اند. سوای زنجیره‌های روبنایی، نکات بسیار دیگر در ژرف‌ساخت افسانه‌ها دخیل است. اعداد و کارکرد آن در زمره این عوامل درونی است. ارزش کمی اعداد گاه به‌مرور در پس ویژگی‌های کیفی و معنوی آن رنگ می‌بازد و مایه شکل‌گیری اعتقادات مذهبی، رفتار اجتماعی و باورهای عامیانه می‌شود تا بدان حد که قادر خواهد بود زاینده و توسعه‌پذیر یا بازدارنده و ضدتوسعه باشد.

ایران به‌دلیل تنوع قومیتی و آذربایجان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اقوام آن دارای غنای فرهنگی ویژه‌ای است. پژوهش حاضر براساس جایگاه اعداد و دانش مبتنی بر آن و به شیوه توصیفی - تحلیلی، به استخراج اعداد به‌کار رفته در پانزده افسانه شاخص آذربایجان خواهد پرداخت؛ سپس کیفیت اشاعه و اثرگذاری آنان در باورهای عامه را در سه شاخه اصلی

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*F.Mahjoub2022@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-5412-7646>

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-0452-4369>

«کوچک‌تر از ده، ده دهی و ترکیبی» بررسی خواهد کرد. حاصل آنکه از مجموع ۲۶ عدد با ۴۶۲ بار تکرار، دسته نخست با درصد تقریبی ۷۱ درصد، مجموعه دوم با درصد و گروه سوم با ۶ درصد به ترتیب پربسامدترند. «یک» در جایگاه واحد شمارش، «چهل» برای مراسم شادی و «دوازده» برای گروه و دسته نیز فراوان‌ترین عدد و کارکرد در هر رده‌اند.

اعداد مندرج سوای عملکرد منحصر به فرد خود، گاه دارای وجوه مشترک به‌ویژه در مضرب‌هایشان هستند. دیگر آنکه بن‌مایه حماسی یا عشقی افسانه‌ها با عدد منتخب اغلب رابطه‌ای دوسویه دارد. وفور ترکیبات مرکب و کنایی نیز نشانگر رسوخ اعداد در ساختار زبانی این افسانه‌هاست.

واژه‌های کلیدی: عدد، افسانه، آذربایجان، اعداد کوچک‌تر از ده، اعداد ده دهی، اعداد ترکیبی.

۱. مقدمه

بنیان فکری و پیشرفت ادبی و هنری هر جامعه درگرو بالندگی آداب و رسوم اقوام و فرهنگ عامه آنان است. ایران به‌عنوان یکی از فاخرترین تمدن‌ها، با قدمتی به درازای تاریخ بشریت و اندوخته‌ای گران‌بها از افسانه‌های بومی و اساطیر کهن و باستانی و تعدد و تنوع اقوام مختلف با فرهنگ و سنن گوناگون در زمره کشورهای است که غالباً جامعه آماری مناسبی برای مطالعه به‌شمار می‌آمده است. «مطالعه فرهنگ عامه زمینه بسیار مناسبی برای بررسی‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات عامه، دین‌پژوهی، زبان‌شناسی و رشته‌های دیگر علوم است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۶، ص. ۸).

نخستین پژوهش‌ها در باب ادبیات عامه و عوامل اثرگذار در شکل‌گیری آن مانند افسانه‌ها، در قرن نوزدهم صورت گرفته است. سوای آنچه روبنای افسانه‌ها را تشکیل می‌دهد نکات بسیاری در ژرف‌ساخت آن‌ها دخیل‌اند که «اعداد» و مباحث مرتبط بدان در آن زمره‌اند. میان اعداد و جهان رابطه‌ای تنگاتنگ و متناظر برقرار است. فیثاغورث از

نخستین کسانی است که به ارتباط میان اعداد و جهان پرداخته است. «او و یارانش بر این باور بودند که تمامی مظاهر جهان، چه زمینی و چه آسمانی، بازنمونی از اعداد هستند. به گمان افلاطون اعداد مظهر هماهنگی عالم است و از نظر ارسطو عدد، جوهر و منشأ همه چیز است. در فلسفه یونان اعداد فرد مذکر و اعداد زوج مؤنث هستند و این بدان معناست که آن‌ها جنسیت دارند و صاحب شعورند» (نورآقایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳) از اعداد در تمدن‌های پیشین به‌منزله نشانه‌های رمز در نگارش امور سری استفاده می‌شده است و دانش مربوط به آن نیز در ابتدایی‌ترین مفاهیم خود با ریاضی ارتباطی دوسویه دارد؛ «بدین معنا که حتی نام‌گذاری اعداد براساس ریاضی است: عدد یک در صورت نوشتاری لاتین خود یک زاویه دارد، ۲ دارای دو زاویه است و...» (ذبیح‌نیا عمران و قیومی، ۱۳۹۶، ص. ۲۵).

دانش مفاهیم سری اعداد در فولکور و ادبیات بازتاب فراوانی دارد. علاوه‌برآن در معماری و موسیقی نیز کارآمد است که با بررسی و تحلیل آن بسیاری از زوایای مبهم فرهنگ اقوام مکشوف می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در باب علم‌الاعداد و تأثیر آن بر زندگی بشر پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. آنه ماری شیمل، مستشرق آلمانی، (۱۹۹۱) در کتاب *راز اعداد* که به‌شکل دایره‌المعارفی تدوین شده، اعداد را از زاویه تاریخی - تطبیقی بررسی کرده و به کارکرد آن در ادیان و نحله‌های مختلف پرداخته است. این کتاب شامل «یک» تا پایان «ده هزار» است.

نورآقایی (۱۳۸۸) در کتاب *عدد، نماد، اسطوره* به بررسی و تحلیل درون‌مایه اساطیر و عملکرد اعداد در پیش‌برد روند آن‌ها پرداخته و نشان داده که اعداد از قدیم با نمادها

در ارتباط تنگاتنگ بوده‌اند و تفسیر آن‌ها از قدیم‌ترین دانش‌ها در بررسی نمادها محسوب می‌شود.

احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالش، بروجرد، لرستان، خراسان و ایزدخواست» با شناسایی اعداد به تقدس اسطوره‌ای آن و تأثیر بر فرهنگ عامه مناطق مزبور به‌ویژه در آیین‌های گذر پرداخته و نشان داده کدام‌یک از اعداد بیشتر رنگ قداست به‌خود گرفته است. ذبیح‌نیا عمران و قیومی‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی کاربرد اعداد یک تا پنج در افسانه‌های مکتوب ایرانی» علاوه بر تعریف اسطوره‌ای و نمادین اعداد، ترکیبات کنایی و گزاره‌های قالبی مشترک را که در اثر نفوذ اعداد در فرهنگ عامه راه یافته است، واکاوی کرده‌اند.

۳. بحث و بررسی

ایرانیان، سومریان، چینیان، مصریان، هندیان، یونانیان و سایر تمدن‌های کهن و نیز مسلمانان، مسیحیان، عبرانیان و اغلب ادیان از منظری نمادین به اعداد می‌نگریسته‌اند. این نگرش علاوه بر آنکه به اعداد جنبه‌ای شر یا تقدس‌گونه بخشیده و مایه تقویت مبانی ایدئولوژیک ملل شده در ادبیات، حکمت، ریاضی و علوم طبیعی نیز ریشه دوانده است. اعداد در بین تمدن‌های مختلف دارای اعتبار و کارکردی ویژه و متفاوت و گاه هم‌سو بوده‌اند. ملت‌ها باتوجه به اساطیر نخستین خود برای تعدادی از اعداد همچون صد، چهل، دوازده، هشت، هفت، دو و یک اهمیتی خاص قائل بوده‌اند. «هفت» عدد مقدس روم باستان، یونان، ژرمن، هندیان و مصریان است. «چهل» در ایران پرکاربرد است و هشت نیز در افسانه‌های ژاپن فراوان به‌کار رفته است. اعداد به‌دلیل آمیزش فرهنگ و تمدن‌های مختلف با یکدیگر کارکردی توسعه‌یافته‌اند.

به لحاظ ماهوی بخش عظیمی از افسانه‌های آذربایجان را حوادث ماورائی و حوادث خلق‌الساعه تشکیل می‌دهد. غالباً رابطه‌ی علی میان حوادث افسانه‌ها ضعیف است و به‌وفور در آن اغراق دیده می‌شود. در بسیاری مواقع تبیین فضاهای مذکور با استفاده از قابلیت نهفته‌ی اعداد ترسیم شده است. مثلاً اغراق که مستلزم کثرت و فراوانی است غیر از ۵ و ۷، بیشتر با دسته‌ی اعداد ده دهی همچون ۱۰، ۱۰۰، ۵۰ و ۱۰۰۰ نشان داده شده است. رسیدن به اوج و کمال که لازمه‌ی فرجام داستان‌های حماسی یا عاشقانه است نیز غالباً با ۱، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۴ و ۱۵ همراه شده است. واحدهای شمارش با اعداد پرتکرار همچون ۱، ۲ و ۳ آمده و در مراسم - سوگواری یا ازدواج - غالباً از عدد ۷ و ۴۰ استفاده شده است. در افسانه‌ها قهرمان تا رسیدن به کمال و انتها می‌بایست مراحل مختلفی را پشت سر نهد. در چنین مواقعی اعداد استفاده‌شده، امثال ۲۹، ۳۹ یا ۱۹ است که آخرین عدد رده‌ی قبلی و ناقص است و عدد پس از آن کامل است. بدین ترتیب تحلیل ژرف‌ساخت باورهای عامیانه‌ی آذربایجان در افسانه‌ها به‌وسیله‌ی کارکرد اعداد میسر خواهد شد.

۴. گذری بر کتاب افسانه‌های آذربایجان

کتاب افسانه‌های آذربایجان در ۳۶۰ صفحه مشتمل بر پانزده افسانه از مهم‌ترین افسانه‌های خطه‌ی آذربایجان است که تألیف، ترجمه و اقتباس آن به‌وسیله‌ی احمد آذر افشار صورت گرفته و تا سال ۱۳۹۷ به چاپ نهم رسیده است و به‌نظر می‌رسد به‌دلیل احتوا بر مهم‌ترین افسانه‌های این خطه از سایر آثار تألیفی در حوزه‌ی جغرافیایی مذکور همچون: افسانه‌های آذربایجان از صمد بهرنگی، افسانه‌های دیار شهریار از جعفر کوهی و افسانه‌های آذربایجان از نورالدین سیداف مبسوط‌تر و جامع‌تر است. افسانه‌های مندرج در این کتاب شامل «ماجرای حسین کرد، شاهزاده و ملکه خاتون، گل و

نسترن، شیرزاد، شاه عباس و سه خواهر، ملک جمشید، سیف الملک، ابر، ایلزاد، اسب باوفا، نصیر و نسترن، صمد، گل خندان، الیاس و نیز ریحان خانم» است که محتوای اغلب آن‌ها حماسه و عشق است. تعدادی از افسانه‌های مذکور همچون «الیاس» و «شاه عباس و سه خواهر» در فرهنگ‌های دیگر تغییر نام یافته یا مشترک است. تلاش بر آن شده است تا حتی الامکان و مشخصاً افسانه‌های آذربایجان مورد مذاقه قرار گیرد.

۵. کارکرد اعداد در افسانه‌های آذربایجان

در افسانه‌های آذربایجان به‌طور مجموع ۴۶۲ بار از اعداد گوناگون استفاده شده که به‌لحاظ بسامد، نخست اعداد کوچک‌تر از ده با درصد تقریبی ۷۱ درصد، سپس مجموعه اعداد ده‌دهی با ۲۳ درصد و در پایان اعداد ترکیبی با ۶ درصد قرار گرفته است که هریک بیانگر جایگاه ویژه آنان در فرهنگ و باور مردمان خطه آذربایجان است. شمارگان اعداد دسته‌های مذکور نیز به ترتیب: ۳۲۶، ۱۰۷ و ۲۹ است.

۱-۵. اعداد کوچک‌تر از ده

در افسانه‌های آذربایجان این دسته با ۳۲۶ بار تکرار و ۷۰/۵ درصد از مجموع اعداد، دارای بیشترین بسامد است. «یک» با ۱۲۷ مورد پرتکرارتر از سایر اعداد است و عمده کاربرد آن به جهت نشان دادن واحد شمارش است.

۱-۱-۵. عدد یک

عمده‌ترین کارکرد «یک» در افسانه‌های آذربایجان یک بار اتفاق افتادن و بیان رویدادهای روزمره است. در افسانه «گل و نسترن» که شاهزاده نسترن بی‌دلیل به زندان می‌افتد و یک سال را در آنجا سپری می‌کند سرانجام «یک روز» تاجری نزد زندانبان آمد و گفت: در دریا نهنگی راه کشتی مرا سد کرده است» (ص. ۸۸).

دیگر کاربرد آن همراه «ی نکره» برای عدم اشاره مستقیم به نهاد است که عبارت «یکی بود، یکی نبود» در زمره پرتکرارترین مورد مذکور است. در نمونه «پیش یکی از طبال‌ها رفت و گوش او را چنان تکان داد که از جا کنده شد» (ص. ۵۳) حسین کرد، قهرمان افسانه، در غیاب فرمانده سپاه از نوازندگان طبل حاضر در میدان جنگ می‌خواهد به نشانه آغاز نبرد طبل‌ها را به صدا درآورند؛ آنان به او وقعی نمی‌نهند. حسین برای زهرچشم گرفتن به سمت یکی از طبال‌ها می‌رود و آنان پس از مشاهده قدرت سرپنجه او فوراً از ترس اطاعت می‌کنند. در نمونه فوق مراد مشخصاً فرد خاصی نیست.

گاهی ذکر عدد یک، تنها برای اشاره به مفهوم قلت و ناچیزی است. نمونه «حسین کمر او را گرفت و به یک حرکت او را بالای سر خود چرخاند و بر سر یکی از پهلوانان کوبید. هردو در دم جان سپردند» (ص. ۵۹) حاکی از قدرت خیره‌کننده حسین کرد در مقابله با دشمن است؛ بدین ترتیب که برای کم اهمیت جلوه دادن و ناچیز شمردن حریف تنها با یک حرکت قهرمان اصلی داستان، دو نفر از هستی ساقط می‌شوند.

۵-۲. عدد دو

در افسانه‌های آذربایجان، کارکرد تقابل محور «دو» در برابر یگانه‌اندیشی «یک» به‌وفور یافت می‌شود، فی‌المثل در افسانه «حسین کرد»، قهرمان داستان به هنگام گشت‌وگذار در شهر به کاروان‌سرایی می‌رسد که در آن اعیان شهر به اتفاق مشغول صحبت با یکدیگر هستند، اما در صدر آنان شخصی سراپا لباس پولادین بر تن به‌تنهایی بر تختی زرین نشسته است. حسین خطاب به او می‌گوید: «برادر می‌بینی همه دو به دو

نشسته‌اند، اما تو تنهایی» (ص. ۶۵). شخص مذکور سرکرده پهلوانان شاه‌عباس و از همه یگانه و ممتازتر است و کسی هم‌رتبه او نیست.

عدد دو در تمام آیین‌های سری، شوم قلمداد شده است. «این عدد دلالت بر سایه دارد» (شمیسا، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۳). جمال، قهرمان افسانه «شاهزاده و ملکه خاتون» پنهانی و در خفا به همراه معشوق خود می‌گریزد. پدر دختر برای دادخواهی نزد پادشاه می‌آید: «به امر پادشاه لشگریانش همه نواحی اطراف را جست‌وجو کردند اما آن دوتا را نیافتند» (ص. ۸۲). عدد دو به سری بودن فرار آن دو اشاره کرده است.

در بیشتر موارد هدف از به‌کار بردن عدد دو، تأکید بر ژرف‌نگری و درنظر گرفتن همه جوانب است. «جمال به هر دو سمت شمعدان نگاه کرد و گفت: استاد! این شمعدان باارزش‌تر از آن است که آن را نزد خود نگاه دارم، زیرا آدم بی‌سروسامانی هستم. شمعدان را به تو هدیه می‌دهم» (ص. ۷۸). شاهزاده که از ساخت شمعدان‌ها نیتی دیگر در سر دارد پس از آنکه به دقت تصاویر حکاکی‌شده را از نظر می‌گذراند و مطمئن می‌شود دختر موردعلاقه‌اش با دیدن تصویر به راز او پی می‌برد آن‌ها را به زرگر می‌سپارد.

۵-۱-۳. عدد سه

عدد مقدس سه به‌عنوان نخستین عددی که شکل هندسی ایجاد می‌کند تداعی‌کننده انسان (بدن، جان، و روح)، موالید ثلاث (جماد، نبات، و حیوان)، چرخه حیات (تولد، زندگی، و مرگ) و رشته زمان (گذشته، حال، و آینده) و نیز رقمی مقدس و حرمت‌دار است. در بخشی از داستان کارکرد مقدس مآبانه عدد سه را در سه قطره چکاندن آب حیات در دهان شاهزاده‌جمشید مشاهده می‌کنیم. ملک‌جمشید به‌وسیله برادران ناسپاس خود قطعه‌قطعه شده و مدفون می‌شود. حضرت خضر که مشغول نماز گزاردن است

کارکرد اعداد در افسانه‌های آذربایجان _____ فرشته محبوب و همکار

این امر را درمی‌یابد. جوان را از زیر خاک به در می‌آورد و «از آب حیات که همیشه پیش خود داشت سه قطره به دهان ملک‌جمشید چکاند» (ص. ۱۴۲).

سه شبانه‌روز عزاداری و مویه نیز از آیین‌های دیگر فرهنگ عامه است: «پس از سه شبانه‌روز عزا و سوگواری، پسر وزیر را در تابوتی که با لعل و جواهرات تزیین شده بود به همراه زیبای جهان، فرنگیس‌خاتون، به کنار غار مرده‌ها بردند» (ص. ۲۸۳).

عدد ۳ در روابط انسانی و گروه‌بندی نیز اهمیت داشته است. «سپاه انبوهی از افراد شجاع و جسور تشکیل شد که به سه گروه تقسیم شدند. فرماندهی یک گروه به زمان سپرده شده و فرماندهی گروه دیگر به عهده وزیر قرار گرفت و فرماندهی گروه سوم را یکی از افراد شایسته و مورد اطمینان بر عهده گرفت» (ص. ۳۵۷).

۴-۱-۵. عدد چهار

عدد چهار از روزگار پیشین عددی نمادین بوده و از دیرباز برای ترسیم آنچه محسوس، مستحکم و ملموس است مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تقسیم سال به چهار فصل، عناصر اربعه (آب، باد، خاک، و آتش)، تقسیم جهان مادی به چهار دوره سه هزارساله در اساطیر ایرانی نیز بیانگر اهمیت این عدد است.

در کتاب *افسانه‌های آذربایجان* عدد چهار به کرات به کار رفته است. در «حسین کرد چهارچشمی نگاه می‌کرد و هیچ چیز را از نظر دور نمی‌داشت» (ص. ۵۲). راوی به دنبال ترسیم کمال و تمامیت موضوع است که از عمده‌ترین کارکردهای عدد چهار است و در روان‌شناسی یونگ نیز به آن پرداخته شده است.

«چهار» برای تکمیل زمان نیز به کار می‌رفته است. اشکال چهارگانه ماه: «هلال، تربیع اول، بدر و تربیع دوم» نمونه‌ای برای این نظر است» (شیمل، ۱۹۹۱، ترجمه توفیقی، ۱۳۸۴، ص. ۹۹). در افسانه «گل و نسترن» تاجر قصه به هوای تصاحب همسر شاهزاده،

پسر را به دریا می‌افکند، اما پس از آنکه می‌بیند دختر به او تمکین نمی‌کند وی را به شاه هدیه می‌دهد. دختر در پاسخ درخواست ازدواج شاه مهلت تعیین می‌کند: «چهار ماه و ده روز فرصت بده و به من نزدیک نشو؛ چون شوهرم تازه مرده است» (ص. ۹۲).

کارکرد دیگر عدد چهار قداست ویژه آن در ادیان مختلف و باورهای مذهبی است. «مثلاً نام بسیاری از الهه‌ها و خدایان هندواروپایی مانند زئوس، یهوه ... چهار حرف است. در باور زردشتیان آتش مقدس که نماد اورمزد است در هیئت پادشاهی بر تخت نشسته به وسیله چهار موبد حمل می‌شده است» (حاجی علی عسگر و مؤمنی، ۱۳۹۶، ص. ۲۵). نمونه «ناگهان ملک جمشید چهار اسب قوی هیکل و زیبا را دید که در گوشه‌ای بسته بودند» (ص. ۱۳۲) که در آن «شاهزاده» چهار «اسب» را می‌یابد و آنان را با مشتی محکم رام و مقهور می‌کند، می‌تواند مشابه تصویر مذکور در آیین زرتشتی باشد.

۵-۱-۵. عدد پنج

ازجمله کارکردهای عدد پنج در افسانه‌های آذربایجان، کاربرد مطلق عددی پنج در کنار عدد شش برای اشاره تقریبی به معدود است. در «حسین پنج شش کیسه برنج را داخل دیگ‌ها ریخت» (ص. ۵۶)، منظور احتساب تقریبی و نه دقیق میزان برنج برای خوراک ده روزه ساکنان کشتی است.

کاربرد دیگر این عدد به زمان طولانی فراتر از پنج اشاره دارد. گویی کثرتی در عدد پنج نهفته است که مراد گوینده از به کار بردن آن عددی معادل پنجاه و بیش از آن است. در افسانه «گل آقا» تنها پسر خانواده برای کسب ثروت به سفر می‌رود. این دوری آنقدر به طول می‌انجامد که مادر از فراق او ازدنیا می‌رود و پدر پیر با سه دختر بی‌توجه تنها می‌ماند. در عبارت «پنج سال سپری شد. اگر اینطور پیش برود او نیز پیش از اینکه

پسرش را ببیند خواهد مرد» (ص. ۲۲۵) دشواری این فراق با ذکر عدد پنج نمایش داده شده است. با آنکه عدد پنج در زمره اعدادی است که تقدس آن در آیین‌ها و ملل مختلف پذیرفته شده در شواهد مثال‌های مستخرج چنین کارکردی یافت نشد.

۵-۱-۶. عدد شش

این عدد در تمامی فرهنگ‌ها، بیانگر اعتدال و هماهنگی است، با این تفاوت که ایرانی‌ها شش را عددی ناقص می‌دانستند. چون هفت از نظر آن‌ها بسیار مقدس بود و شش، نقصانی داشت که با رسیدن به هفت کامل می‌شد. «این بار ایلزاد شش مشت پر از طلا جلو پیرزن ریخت و گفت: مادر جان بعد از اینکه برگشتی دو برابر این را هم به تو خواهم داد. خلاصه باید دوباره پیش دختر بروی و این دستمال را به او بدهی» (ص. ۱۹۴). مأموریت پیرزن برای دیدار شاهدخت هنوز به پایان نرسیده، بنابراین پاداش او نیز کامل پرداخت نشده است.

۵-۱-۷. عدد هفت

اکثر شاعران و نویسندگان در ادبیات مکتوب و شفاهی ایران به عدد هفت توجه خاصی نشان داده‌اند، فردوسی با «هفت‌خان رستم»، «هفت‌خان اسفندیار»، نظامی با «هفت‌پیکر»، امین احمد رازی با «هفت اقلیم»، جامی با «هفت‌اورنگ»، هاتفی خرجردی با «هفت‌منظر»، محتشم کاشانی با «هفت‌بند»، عطار نیشابوری با «مراحل هفت گانه سلوک» و «هفت شهر عشق»، جامی با «هفت مثنوی»، خواجه عبداله‌انصاری با «هفت حصار». این عدد در همه تاریخ جهان و در مذاهب گوناگون عددی مقدس و مشهور بوده که گاه در امور اهریمنی و شر نیز به کار می‌رفته است. هفت طبقه زمین، هفت طبقه آسمان، هفت سیاره، هفت روز هفته، هفت فرشته مقدس، هفت بار طواف بر

گرد کعبه، هفت اقلیم جهان نیز در این شمار است «و به معنی کمال، امنیت، ایمنی، آرامش، وفور و آفرینش است» (نورآقایی، ۱۳۸۸، ص. ۷۶).

از مهم‌ترین کارکردهای عدد هفت مفهوم کثرت و فراوانی است: «باج و خراج هفت سال را از حاکم تبریز بگیر و پهلوان او، مسیح را هم دست و پا بسته همراه خود بیاور» (ص. ۴۵) که در آن شاه‌عبّاس به پهلوان دربار دستور می‌دهد به جبران سرکشی حاکم تبریز او را گوشمال دهد و خسارت مالی آن را یکجا از او بگیرد.

در افسانه‌های آذربایجان مکرراً به کارکرد زمانی عدد هفت برای آموزش و فعالیت با نتیجه‌ای مفید اشاره شده است. شاهزاده «سیف‌الملک» به همراه «صاحب» پسر وزیر، زیر نظر استاد آموزش می‌بینند و به نوجوانانی شایسته مبدل می‌شوند: «میرزا در مدت هفت سال به تدریج به بچه‌ها خواندن و نوشتن و علم آموخت» (ص. ۱۴۹) استاد در حضور پدرانشان از آنان امتحان می‌گیرد: «اول نوبت صاحب بود که حاصل کار هفت ساله‌اش را به پادشاه نشان بدهد» (ص. ۱۴۹) و هردو نفر ثابت می‌کنند که آموزش‌ها را به‌خوبی فراگرفته‌اند.

از کارکردهای عدد هفت در فرهنگ عامّه مراسم مربوط به ازدواج و برپایی جشن و پای‌کوبی هفت روزه است: «هفت شبانه روز جشن و شادی برپا شد و جمال و ملکه خاتون عمری را به خوشی گذراندند» (ص. ۸۳). فراوانی این کارکرد در میان دیگر کارکردهای این عدد نشان از جایگاه شادمانی میان مردم آذربایجان است.

۵-۱-۸ عدد هشت

در بیشتر فرهنگ‌های جهان، هشت عدد تعادل کیهانی و نشانگر نوزایی، سعادت، قیام و رستاخیز است و قدما بر این باور بودند که فراتر از هفت فلک سیارات، فلک هشتم که فلک ثوابت است قرار دارد.

در افسانه «شیرزاد» شاه پس از مدت‌های مدید صاحب فرزندی می‌شود. «وقتی محمد به سن هشت سالگی رسید او را به مکتب فرستادند تا خواندن و نوشتن بیاموزد» (ص. ۹۸). هشت سالگی برای شاهزاده زمان علم‌آموزی و نیل او به کمال است. قیام و رستاخیز که از عمده‌ترین کارکردهای عدد هشت است در داستان سیف‌الملوک و صاحب رخ می‌دهد. «هفت شبانه‌روز در دریا راه پیمودند تا اینکه روز هشتم طوفان شدیدی درگرفت» (ص. ۱۵۵) که آن دو در روز هشتم با وزش طوفان از یکدیگر جدا می‌شوند و این جدایی مایه مرارت و مشقت می‌گردد و زندگی آن‌ها را زیر و زبر می‌سازد.

۹-۱-۵. عدد نه

عدد نه به اشکال گوناگون تفسیر شده است. گاهی بر جنبه‌های منفی آن تأکید شده که عدد رنج و درد و اندوه است و گاه در تفاسیر باستان به منزله عدد کمال یا حد نهایی به کار رفته است. در تفسیر دوم خود که بر کمال تقریبی عدد نه تأکید دارد نمونه‌های مستخرج به شکل ۹ ماه مدت بارداری و حمل فرزند نمود می‌یابد. «نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه گذشت. همسر پادشاه بارش را به زمین گذاشت و پسری به دنیا آورد» (صص. ۹۷-۹۸).

عدد نه، نماد کل و شروع و پایان است و در تمام فرهنگ‌های آسیایی حاوی مفهومی از تازه شدن است. کارکرد زایش و شکوفایی پس از انتظاری که با شمارگان نه همراه است یکی از مهم‌ترین کارکردهای عدد نه در *افسانه‌های آذربایجان* است: «دعای خیر بینوایان مستجاب شد و همسر پادشاه و همسر وزیر باردار شدند و پس از نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه و نه ثانیه پسری به دنیا آوردند» (ص. ۱۴۸).

جدول ۱: فراوانی کارکرد اعداد کوچک‌تر از ده در افسانه‌های آذربایجانی

Table 1: Frequency of function of numbers smaller than ten in Azerbaijani myths

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹									
بیان ویدادهای روزمره	۲۵	تقابل محور	۸	تقدس	۴	تمامیت و کمال	۲	کاربرد مطلق عددی	۳	خوش یختی	۲	کثرت و فراوانی	۱۵	کمال‌گرایی	۴	انتظار برای رسیدن به کمال	۵
ناشناس بودن	۱۸	مرگ‌باری	۷	فرهنگ عامه	۱۷	فرهنگ عامه	۲	کثرت	۴	اعتدال و هماهنگی	۳	آموزش و هدایت	۷	قیام و رستخیز	۲		
فلت و ناچیزی	۴۱	سری بودن	۱۰	تمامیت	۶	تکمیل زمان	۳	مطلق عددی		۳	انجام حجت	۵					
واحد عدد	۴۳	قهرآمیز و دستوری	۵	قدرت و تحقق امر	۸	قداست	۱					۴	تقدس گونگی				
		زرف نگری	۴	مهلت دادن	۱۰	ساخت و معماری	۲					۷	مراسم سرور یا سوگواری				
		قدرت مضاعف	۵	مفهوم فیناغورسی	۹							۳	جادو				
		در مفهوم عددی و شمارشی	۱۱	گروه بندی	۱۰							۲	آزمودن و کمال نگاری				
				فلت و ناچیزی	۶												
	۱۲۷	۵۰	۷۰	۱۰	۷	۸		۴۳	۶								۵

۲-۵. اعداد ده دهی

به‌لحاظ فراوانی در افسانه‌های آذربایجانی اعداد ده دهی با ۱۰۷ بار استفاده و ۲۳/۱۶ درصد، پس از اعداد کوچک‌تر از ده دارای بیشترین کاربرد است. تکرار عدد «چهل» با ۵۸ بار که عمده آن برای ترسیم مراسم جشن و سرور استفاده شده نیز بیانگر جایگاه متمایز عدد مذکور است.

۲-۵.۱. عدد ده

ده به‌دلیل آنکه نخستین عدد پس از اعداد تک‌رقمی است بیانگر ورود به کثرت جدید و به‌دلیل آنکه در قدم بعدی به صد می‌رسد بیانگر بازگشت کثرت به وحدت است.

کارکرد اعداد در افسانه‌های آذربایجان _____ فرشته محبوب و همکار

«دسته‌بندی کتاب‌ها و کلمات حکمت‌آمیز در گروه‌های ده تایی مبین همین وحدت برخاسته از کثرت است» (شیمل، ۱۹۹۱، ترجمه توفیقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۶). علاوه بر آن به دلیل اینکه ریشه تمام شمارش‌هاست عدد زایش مجدد نیز هست.

شواهد عدد ده در *افسانه‌های آذربایجان* اندک است و آنچه به کار رفته اغلب مبتنی بر ناچیز بودن و شمار کم است. در داستان ایلزاد، او طبق نقشه قبلی و در یک صحنه‌سازی وانمود می‌کند وزیر ثروت او را به یغما برده است. بنابراین از شاه دادخواهی می‌کند. پادشاه دستور می‌دهد وزیر خسارت ایلزاد را بپردازد: «اما تمام مال و ثروت وزیر نتوانست حتی ده صندوق تاجرباشی را پر کند» (ص. ۱۹۹) که بیانگر اندک بودن ثروت وزیر در قیاس با دارایی ایلزاد است.

۲-۲-۵. عدد سی

نام نخستین داستان این مجموعه «حسین کرد» است. مسیح، پهلوان معروف تبریزی که در خدمت حاکم وقت شهر است به دستور شاه عباس مبنی بر پرداخت باج و خراج واقعی نمی‌نهد. شاه سپاهی را به سرکردگی فرخ پهلوان به جنگ او می‌فرستد. مسیح از چوپانی زورمند به نام حسین کرد کمک می‌گیرد. عدد سی به نظم و عدالت مربوط می‌شود و این کارکرد در دو جای افسانه مذکور به کار رفته است: «آنها را از رودخانه کنار شهر پر می‌کنیم. یک کارگر به تنهایی سی روزه این خمره‌ها را پرمی‌کند، اما سی کارگر می‌توانند آن را یک‌روزه پر کنند. سی منات نیز مزد این کار است» (ص. ۵۸). در این بخش از داستان حسین برای رفع گرسنگی ناچار به پر کردن خمره‌هایی بزرگ می‌شود. عدالت و برابری در «یک کارگر در سی روز = سی کارگر در یک روز» با ذکر عدد سی نشان داده شده است.

۵-۲-۳. عدد چهل

عدد چهل در زمره اعداد بسیار پرکاربرد است که به لحاظ صبغه فرهنگ ایرانی - اسلامی حائز اهمیتی وافر است. پیامبر اکرم در چهل سالگی به نبوت رسید. جمع آوری و استنساخ چهل حدیث در مجموعه‌هایی موسوم به اربعین نیز امری متداول در میان مسلمانان بوده است. گل حضرت آدم در چهل روز سرشته شد و یا هنگام رستاخیز آسمان‌ها به مدت چهل روز پر از دود خواهد شد. طوفان چهل روزه حضرت نوح و سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل نیز در این شمار است. کارکرد گروهی عدد چهل نیز متعدد است: کاخ‌های چهلستون در اصفهان یا قزوین، مقبره چهل تن در رفسنجان، چهل چشمه دیواندره، چهل دختران توران پشت یزد و قهرمانانی با چهل اسب در این شمار است. در نمونه‌هایی همچون: «چهل پهلوان که همراه فرخ به میدان آمده بودند شمشیر از نیام کشیدند و به طرف حسین حمله‌ور شدند» (ص. ۵۴) افاده گروه و امری دسته جمعی شده است.

کارکرد مؤثر دیگر این عدد در عرفان اسلامی و مباحث مربوط به آن است. تقسیم‌بندی بسیاری از کتب متصوفه به چهل باب یا فصل، خلوت‌های صوفیانه موسوم به چله‌نشینی و تکرار چهل باره اوراد دینی نیز در راستای چنین کارکردی است. هر حرکت خالصانه‌ای که تا چهل بار ادامه یابد دریچه‌ای از نور معرفت به روی شخص گشوده شده و مایه تکمیل ابعاد روحانی و عرفانی او می‌شود. اتاق چهلم در افسانه «شاهزاده و ملکه خاتون» نیز چنین است: «همسر تاجر در چهلمین اتاق را به روی او نگشود» (ص. ۷۱). جمال پس از معرفت بر اینکه تمثال دختری زیبارو در اتاق چهلم است در پی جست‌وجوی او برمی‌آید.

در مثال: «در چهلمین روز هنگامی که به میدان آمدند حسین گفت مشعل‌ها را روشن کنید تا شب هنگام میدان روشن باشد» (ص. ۶۳). حسین کرد در میدان رزم با هم‌آوردی هم‌سنگ خود روبه‌رو می‌شود. آن دو با انواع سلاح‌های نبرد مبارزه می‌کنند و

هیچ‌یک بر دیگری فائق نمی‌آید. ۳۹ روز بدین منوال سپری می‌شود. سرانجام حسین کرد در واپسین روز، سرنوشت نبرد را تغییر می‌دهد و پیروز می‌شود. «چهل نشانگر تغییری بنیادین و گذر از نظام عملی از یک زندگی به زندگی دیگر است» (شوالیه و گربان، ۱۹۸۲، ترجمه فضایی، ۱۳۸۵، ج ۵/ص. ۵۷۶).

کارکرد دیگر عدد چهل عدد انتظار و آماده‌سازی است. در نمونه «به فرمان سیف‌الملک چهل روز تمام از صاحب مواظبت و پرستاری کردند تا اینکه نیروی ازدست‌رفته‌اش را دوباره بازیافت» (ص. ۱۶۲). علاوه بر بار معنایی زمان عدد چهل، به بخشی از داستان می‌رسیم که صاحب دوست شاهزاده سیف‌الملک به همراه او برای یافتن بدیع‌الجمال رهسپار سفری پرمخاطره می‌شود، اما میان راه به‌خاطر وقوع طوفان ناپدید می‌شود. سرانجام سیف‌الملک پس از مدت‌ها صاحب را که سخت نحیف و بیمار شده باز می‌یابد. دستور می‌دهد از او پرستاری کنند. بالآخره پس از چهل روز انتظار صاحب مجدداً بهبود پیدا می‌کند. در ادامه هر دو با آنکه در انتظار دیدار وطن و پدر و مادر خود هستند به دستور پادشاه چین نزد او می‌مانند: «و پس از گذشت چهل روز سیف‌الملک برای بازگشت به سرزمین مصر از شاه اجازه خواست» (ص. ۱۶۷).

این عدد در مراسم عروسی به‌شکل برگزاری مراسم عروسی مفصل «چهل شبانه روز جشن عروسی گرفتند و شادی کردند» (ص. ۲۳۱) و در مراسم سوگواری و برپایی چهلم متوفی و نیز برای خاتمه دادن به دوره غم و اندوه و درآوردن رخت عزا نیز دارای کاربرد است. نمونه «همه درباریان لباس عزا به تن کردند و چهل شبانه روز به سوگ نشستند» (ص. ۶۷) در راستای چنین فرایندی است. این کارکرد در زمره پربسامدترین عملکردهای عدد چهل و نشانگر جایگاه مراسم جمعی در فرهنگ آذربایجان است.

۴-۲-۵. عدد صد

عدد صد از اعداد پربسامد/افسانه‌های آذربایجان است. «صمد» قهرمان داستانی به همین نام روزی در پی شرط پادشاه کشور خویش مبنی بر گفتن بزرگ‌ترین دروغ در عوض همسری شاهدخت، داستانی برای شاه و درباریان تعریف می‌کند و می‌کوشد دروغ خود را به آخرین حد مبالغه بیاراید: «پدرم تمام حیوانات بارکش شهر را کرایه کرد. صدها کارگر گرفت و تخم مرغ‌ها را بار حیوان‌ها کردند» (ص. ۲۷۹). صد در اینجا نمایانگر فراوانی و برای اغراق به کار رفته است. مثال «اگر صد سر هم داشته باشم یکی سالم نخواهد ماند» (ص. ۴۹) نیز برای کثرت به کار رفته است. «صد عدد گرد بزرگی برای بیان کمال و نشانگر خیر کامل است و در نظام ده‌دهی به معنای «زیاد» است» (شیمل، ۱۹۹۱، ترجمه توفیقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۹۵).

«بیان کمال» از کارکردهای عدد صد است. در افسانه «ایلزاد» زمانی که شاهدخت در دام مکر پسر وزیر گرفتار می‌شود از مأموری که او را دربند کرده می‌خواهد در ازای گرفتن گردنبندی گران‌بها، در شهر خبری را جار بزند. «تو این کار را به عهده من بگذار. من می‌روم و در صد جای شهر جار می‌زنم که دو بلبل در یک قفس اند» (ص. ۱۹۷). آوردن صد در این عبارت به معنای آن است که در تمام نقاط شهر جار خواهم زد. نهایتاً در نتیجه این کار دختر به وسیله قهرمان داستان نجات می‌یابد.

جدول ۲: فراوانی کارکرد اعداد ده‌دهی در افسانه‌های آذربایجان

Table 2: Frequency of the function of tens of numbers in the legends of Azerbaijan

۱۰۰۰	۳۰۰	۱۰۰	۷۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	
۹	کثرت	۱	نظم	۱۰	کثرت	۶	دسته بندی	۱	کثرت
		۱	عدالت	۵	بیان کمال			۴	انتظار
		۱	ارزش گذاری انسان	۱	مقیاس وزن			۳	زمان
				۳	مقیاس اندازه			۸	ناامیدی
								۱۲	گروه و دسته
								۵	کسب معرفت
								۲	بارداری
								۱۳	جشن
								۵	سوگواری
۹	۳	۱۹	۶	۱	۵۸	۲	۱	۸	مجموع

۳-۵. اعداد ترکیبی

در افسانه‌های آذربایجان هشت عدد ترکیبی استفاده شده که از آن میان عدد دوازده با هفت بار تکرار - و بیش‌تر در جایگاه گروه و دسته - پرتکرارترین شمارگان این رده است. اعداد دسته مذکور ۲۹ بار به‌کار رفته و با ۶/۲ درصد دارای سومین بسامد است.

۱-۳-۵. عدد دوازده

عدد دوازده شمولی بزرگ از معانی و فعالیت‌هاست. در بسیاری از اساطیر، داستان‌ها و قصه‌های پریان گروه‌های دوازده نفره از خدایان، قهرمانان یا شخصیت‌های مهم به‌چشم

می خورد. در داستان «سیف‌الملک» پادشاه و وزیر هم‌زمان دارای پسر می‌شوند که هر دو در جوانی مبدل به قهرمانانی برومند می‌شوند. شاهزاده سیف‌الملک که شیفته تصویر دختری از دیاری ناشناخته به همراه صاحب - فرزند وزیر - به هنگام جست‌وجوی معشوق در طوفان اسیر و کشتی آنان غرق می‌شود: «صاحب به اتفاق دوازده نفر روی قسمتی از بدنه کشتی خود را از مرگ نجات دادند» (ص. ۱۵۵). به دلیل آنکه از میان کل سرنشینان عده‌ای صاحب فن و توانمند قادر به نجات خود از آن ورطه شده‌اند این معنا با عدد دوازده به تصویر کشیده شده است.

دوازده در تقسیمات منطقه البروج و در واحدهای زمانی دوازده ساعته، دوازده روزه یا دوازده ساله نیز کاربرد دارد. در افسانه «گل و نسترن» می‌خوانیم: «دوازده روز راه رفت تا به شهری رسید. او را به شهر راه ندادند» (ص. ۸۶) که مقیاس اندازه‌گیری زمان است و قهرمان داستان پس از کشتن دختر دیو از چنگ او می‌گریزد و پس از دوازده روز به شهری ویرانه می‌رسد.

۵-۳-۲. عدد سیزده

در اقوام کهن عدد سیزده، عددی نحس و نامبارک به‌شمار می‌رفت. در ایران باستان نمادی از آشوب آغازین قبل از آفرینش است و همین طور شروعی دوباره برای زندگی به حساب می‌آید. در افسانه «سیف‌الملک» شاهزاده در جست‌وجوی محبوب خویش سیزده سال از وطن خویش به دور می‌افتد و در این راه مخاطرات فراوانی را به جان می‌خورد: «من هم مدت سیزده سال است که سرگردان و آواره‌ام» (ص. ۱۵۸). نامبارکی این دوران با «سیزده» نشان داده شده است. باوجوداین خاتمه این سرگردانی و دستیابی به هدف نیز در مفهوم عبارت مذکور مستتر است.

۳-۳-۵. عدد چهارده

در فرهنگ عامیانه مردم ایران، این عدد غالباً با بلوغ، کمال و زیبایی مرتبط است. در غرب ایران سن بلوغ جنسی و جسمی دختران چهارده دانسته شده و غالب سروده‌های عاشقانه ایللیاتی‌ها در باب معشوق چهارده ساله زیبارو است که با ماه که در چهارده شب کامل و درخشان می‌شود نیز در ارتباط است. بدین معنا که اوج کمال و جاهت فرد مانند درخشش کامل ماه است.

در افسانه «ملک‌جمشید»، شاهزاده درپی یافتن راهی برای درمان دیوانگی شاه به قلعه دیوان و دختری طلسم شده می‌رسد و از دیدن زیبایی خیره‌کننده دختر شگفت‌زده می‌شود: «و این دختر فرشته‌مانند، از زیبایی بی‌همتا و به قول معروف مانند ماه شب چهارده بود» (ص. ۱۳۹). چهره زیبای دختر به بدر کامل تشبیه شده و راوی درپی ترسیم اوج زیبایی و بی‌مانندی دختر بوده است.

۴-۳-۵. عدد پانزده

عدد پانزده نشان‌دهنده اوج قدرت قمری، جمع پنج عدد نخست و حاصل ضرب دو عدد مقدس سه و پنج بوده است. در دوره‌ای نیز میان مردم هند و ایران تقسیم پانزده روزه ماه رایج بوده است.

غالب نمونه‌های مستخرج عدد پانزده در افسانه‌های آذری برای نمایش سن کمال و جوانی به کار رفته است: در «نصیر و نسترن به سن پانزده سالگی رسیدند. نصیر از زیبایی به ماه بدر می‌ماند و نسترن همچون شفق بود» (ص. ۲۳۷). این کارکرد استفاده شده است. پانزده سالگی در متون میانه و اوستایی نمایشگر آغاز جوانی و سن آرمانی و در آیین زرتشتی سن بلوغ است. «مشی و مشانه به هنگام رستن از زمین دارای پانزده برگ بودند که نمایانگر سن آنان بود» (آموزگار، ۱۳۸۸، ص. ۴۹). «سدره‌پوشی و

کشتی‌بندان نیز در سنین هفت تا پانزده سالگی انجام می‌گرفته است» (مزداپور، ۱۳۶۹، صص. ۷۱ - ۷۶). در نمونه «به سن پانزده سالگی رسید. پهلوانی شد که هیچ کس نمی‌توانست بازوی او را خم کند» (ص. ۲۶۹). «مصر» فرزند شاهدخت نسترن که در خفا به دنیا آمده بدون آنکه از هویت خود مطلع باشد بالیده و به سن کمال و جوانی پانزده رسیده است؛ علاوه‌بر آن صفت «پهلوان» نیز که به رسم کشتی‌بندان اشاره دارد در این عبارت مصداق می‌یابد.

کارکرد دیگر پانزده که ضربی از سه و در تقسیمات ماه نیز به کار رفته است در مثال «پدرت بیشتر از پانزده سال است که در زندان پادشاه ستمکار به سر می‌برد» (ص. ۲۷۰) مشهود و دارای بار معنایی «زمان» است.

۵-۳-۵. عدد ۳۹

۳۹ به عدد گرد چهل نزدیک است. شواهد مثال عدد ۳۹ به تمامی در پی ترسیم رسیدن به عدد کمال چهل است. مثلاً در داستان «شاهزاده و ملکه خاتون»؛ شاهزاده جمال به تحریک نامادری خود که در پی کام گرفتن از اوست ناچار از دربار رانده شده و فرزندخوانده تاجری می‌شود. روزی زن تاجر تصمیم می‌گیرد قسمت‌های مختلف خانه را به او نشان دهد: «در اولین اتاق را که گشودند جمال دید مملو از ظروف گوناگون است. دومین اتاق پر از جواهرآلات بود و همین‌طور تا به سی و نهمین اتاق رسیدند این اتاق پر از لعل و طلا و درّ و جواهر بود» (ص. ۷۱). شاهزاده اما با در بسته چهلمین اتاق روبه‌رو می‌شود که با سه قفل محکم بسته شده است. راز داستان در اتاق چهلیم است. سرانجام به یاری مادرخوانده خود درمی‌یابد که تمثال ملکه‌خاتون در اتاق چهلیم است و تصمیم به یافتن او می‌گیرد که برای زمینه‌سازی هدف غایی به کار رفته است.

جدول ۳: فراوانی کارکرد اعداد ترکیبی در افسانه‌های آذربایجانی

Table 3: Frequency of Functional Numbers in Azerbaijani Myths

۱۰۰۱		۳۹		۱۸		۱۵		۱۴		۱۳		۱۲		۱۱		
۳	گسترش بی نهایت	۳	زمینه سازی برای هدف غایی	۴	سنجش زمان	۲	کمال و جوانی	۲	اوج کمال و زیبایی	۱	شروع دویاره	۴	گروه	۱	گناه و بزه	۱
				۲	کسب معرفت	۲	زمان					۲	مقیاس زمان			۲
						۲	سن رزم آوری					۱	توزین			۳
۳		۳		۶		۶		۲		۱		۷		۱		مجموع

۶. نتیجه

افسانه‌ها در زمره شاخه‌های اصلی فرهنگ عامه و بستری مناسب برای مطالعات جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات عامه، دین‌پژوهی، زبان‌شناسی و سایر رشته‌هاست. در ژرف‌ساخت افسانه‌ها عوامل اثرگذار فراوانی دخیل‌اند که «اعداد» و مباحث مرتبط بدان در آن شمار است.

غالب تمدن‌های بشری از منظری نمادین به اعداد می‌نگریسته‌اند. این نگرش علاوه بر آنکه مایه تقویت مبانی ایدئولوژیک ملل شده در سایر علوم همچون ادبیات، حکمت، ریاضی و علوم طبیعی نیز اثرگذار بوده است.

کارکرد متعدد اعداد در افسانه‌های آذربایجان نمود رابطه دوسویه آن با باورهای عامه است. در پانزده افسانه منتخب این خطه، ۲۶ عدد مجموعاً ۴۶۲ بار تکرار شده که به لحاظ بسامد، نخست اعداد کوچک‌تر از ده با ۳۲۶ بار تکرار و درصد تقریبی ۷۱ درصد، سپس مجموعه اعداد ده‌دهی ۱۰۷ مرتبه و ۲۳ درصد و سوم اعداد ترکیبی با ۲۹

مورد و ۶ درصد قرار گرفته است. از میان اعداد کوچک‌تر از ده «یک» با ۱۲۷ بار تکرار بیش از سایرین به کار رفته است. عمده‌ترین کاربرد آن نیز به جهت نشان دادن واحد شمارش است. در دسته اعداد ده‌دهی «چهل» با ۵۸ بار تکرار که در رأس آن ترسیم مراسم جشن است و در اعداد ترکیبی نیز «دوازده» با ۷ مرتبه تکرار - و بیش‌تر در جایگاه گروه و دسته - پربسامدترین هستند.

سوی کارکرد منحصر به فرد هر عدد، بسیاری از آنان دارای وجوه مشترک‌اند. این اشتراک گاه با مضرب‌های همان عدد است؛ مثلاً برای گروه‌بندی از ۳، ۶، ۱۲ و ۴۰ و برای القای کمال‌گرایی از ۴ و ۸ استفاده شده است. کثرت با ۵، ۵۰، ۱۰۰۰ و ۷ و زمان با ۴، ۱۲، ۴۰، ۱۵ و ۱۸ نشان داده شده است.

به نظر می‌رسد میان اعداد استفاده‌شده با بن‌مایه افسانه‌های آذربایجان که اغلب حماسی یا عشقی است رابطه‌ای دوسویه برقرار است. مثلاً کثرت و فراوانی که از ملزومات اغراق در حماسه است بیشتر با دسته اعداد ده‌دهی همچون ۱۰، ۵۰، ۱۰۰ و ۱۰۰۰ نشان داده شده است. القای این مفهوم را که «قهرمان تا دستیابی به کمال می‌بایست مراحل مختلفی را پشت سر نهد» اعدادی چون ۲۹، ۳۹ یا ۱۹ که خود در سلسله‌مراتب اعداد، آخرین شماره رده قبلی و ناقص‌اند و منتج به عدد کامل پس از خود می‌گردند برعهده دارند. رسیدن به وصل، پیروزی و کمال نیز که غالباً فرجام داستان‌های عاشقانه است با ۱، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۴ و ۱۵ ترسیم شده است. ۷ و ۴۰ نیز بیانگر زمان مراسم سوگواری یا ازدواج است.

حضور اعداد ۱، ۲ و ۳ در جایگاه واحد شمارش همچون «یک دوجین بچه، یک دست لباس، یک وعده غذا، یک دسته گل، یک دو لقمه، دو برابر، هر دو پا و دو چشم»؛ ساخت ترکیبات مرکب مانند: «چهارپا، پنج دری، سه راهی» و نیز ترکیبات

کنایی نظیر: «یک چشم به هم زدن، دو به دو نشستن، دو پا داشتن دو پا قرض کردن و سه جان داشتن» نیز بیانگر رسوخ اعداد در ساختار زبان و ادبیات است.

منابع

- آذر افشار، ا. (۱۳۹۷). *افسانه‌های آذربایجان*. تهران: دی.
- آشتیانی، م. (۱۳۸۳). *رموز اسرارآمیز عدد چهل*. قم: چاف.
- آموزگار، ژ. (۱۳۸۸). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- اسدیان، م. (۱۳۸۴). *آیین‌های گذر در ایران*. تهران: روشنان.
- احمدی، ل. (۱۳۹۴). نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی. *مجله مطالعات ایرانی*، ۲۸، ۲-۱۶.
- باقری، م. (۱۳۸۵). *دین‌های ایران باستان*. تهران: قطره.
- بلوکباشی، ع. (۱۳۶۹). بقایای فرهنگی، نقش و ارزش. *کلک*، ۳، ۹۶-۱۰۱.
- حاجی علی عسگر، ن و مؤمنی، ک. (۱۳۹۶). تجلی عدد چهار در طرح معماری آتشکده‌های ایران. *مجله آرمانشهر*، ۱۰، ۲۳-۳۸.
- درویشیان، ع. ا. (۱۳۷۷). *برگزیده آثار صمد بهرنگی*. تهران: کتاب و فرهنگ.
- ذبیح‌نیا عمران، آ و قیومی‌زاده، ف. (۱۳۹۶). بررسی کارکردهای یک تا پنج در افسانه‌های مکتوب ایرانی. *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، ۱۸، ۲۴-۳۶.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۶). *باورهای عامیانه مردم ایران*. با همکاری ع.ا. شیرازی. تهران: چشمه.
- شمیسا، س. (۱۳۸۳). *داستان یک روح*. تهران: فردوس.
- شوالیه، ژ. و گربران، آ. (۱۹۸۲). *فرهنگ نمادها*. ترجمه س. فضایی (۱۳۸۵). ج ۵. تهران: جیحون.
- شیمیل، آ. م. (۱۹۹۱). *راز اعداد*. ترجمه ف. توفیقی (۱۳۸۴). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نورآقایی، آ. (۱۳۸۸). *عدد، نماد، اسطوره*. تهران: نقد افکار.
- مزدآپور، ک. (۱۳۶۹). *چهارده گفتار درباره اسطوره*. تهران: اساطیر.

References

- Ahmadi, L. (2015). The role of numbers in Iranian transit rituals. *Journal of Iranian Studies*, 28, 2-16.
- Amuzgar, Zh. (2009). *Mythological history of Iran* (in Farsi). Samt.
- Asadian, M. (2005). *Transit rituals in Iran* (in Farsi). Roshanan.
- Ashtiani, M. (2004). *Mysterious secrets of the number forty* (in Farsi). Chaf.
- Azar Afshar, A. (2018). *Legends of Azerbaijan* (in Farsi). December.
- Bagheri, M. (2006). *Religions of ancient Iran* (in Farsi). Qatre.
- Blockbashi, A. (1990). Cultural remnants, role and value. *Kalk Magazine*, 3, 96-110.
- Darvishiyan, A.A. (1998). *Selected works of Samad Behrangi* (in Farsi). Books and Culture.
- Haji Ali Asgar, N., & Momeni, K. (2017). Manifestation of number four in the architectural design of Iranian fire temples. *Armanshahr Magazine*, 10, 23-38.
- Mazdapour, K. (1990). *Fourteen discourses on myth* (in Farsi). Asatir.
- Noor Aghaei, A. (2009). *Number, symbol, myth* (in Farsi). Critique of Thoughts.
- Shamisa, S. (2004). *The story of a soul* (in Farsi). Ferdows.
- Shimmel, A. M. (199). *The secret of numbers*. University of Religions and Religions.
- Shovaliye, Zh., & Gerberan, A. (1982). *Culture of symbols* (in Farsi). Jeyhun
- Zabihnia Imran, A., & Qayyumizadeh, F. (2017). A study of functions one to five in Iranian written legends. *Literary and Rhetorical Research*, 18, 24-36.
- Zolfaghari, H. (2017). *Folk beliefs of the Iranian people* (in Farsi). Cheshmeh.

